

طوائف بیات
در
مسیر تاریخ

تألیف

محمد حسن بیات

سرشناسه:	بیات. محمدحسن، ۱۳۱۴ -
عنوان و پدیدآور:	طوائف بیات در مسیر تاریخ / تألیف محمدحسن بیات.
مشخصات نشر:	تهران: نهرست، ۱۳۸۵.
مشخصات ظاهری:	۸۲ ص.؛ مصور؛ نمونه؛ جدول.
فروست:	نهرست؛ ۴۲.
شابک:	۴۵۰۰۰ ریال 8-01-6351-964
موضوع:	بیات.
موضوع:	بیات - تاریخ - اسناد و مدارک.
رده‌بندی کنگره:	۹ ب ۴ ل / ۷۲ DSR
رده‌بندی دبیری:	۹۵۵ / ۹۸۶
شماره کتابخانه ملی:	۲۴۱۰۰ - ۸۵ م

شابک: 8-01-6351-964 ISBN: 964-6351-01-8

عنوان : طوائف بیات در مسیر تاریخ

نویسنده : محمد حسن بیات

چاپ اول : بهار ۱۳۸۶

تیراژ : ۲۰۰۰

طراح و صفحه آرا : سهیلا بیات

حروفچین : چاپ سارنگ

لیتوگرافی : پلک

چاپ : سارنگ

شابک : ۸-۰۱-۶۳۵۱-۹۶۱

ISBN: 964-6351-01-8

۴۵۰۰۰ ریال

۵۴	برگ جریحه تریاک مکشوفه
۵۵	اطلاعیه شرکت سهامی فلاحتی
۵۶	اطلاعیه شرکت سهامی برق
۵۷	صورت محاسبه سنواتی به حساب سیاق
۵۸	چند نمونه از اسناد مبادله شده
۶۳	تصویری از کوبین های آن زمان
۶۴	تصویر بلیط بخت آزمایی ملی
۶۵	نمونه سرخط نوکری - نحوست حرف ۱۳
۶۹	چاپلق
۷۳	بیات
۷۷	ذکر نسب بیات
۹۰	مستندات اسکان قوم بیات در نواحی مختلف ایران
۹۲	ارباب مناصب بیات
۹۷	بیات چاپلق
۱۰۰	شجره بیات لکان
۱۰۱	خان باباخان بیات
۱۰۹	حکام چاپلق
۱۱۰	محمد حسین خان فرخی - لطف علی خان امیر مقخم
۱۱۲	کشته شدن صمصام و جنگ بر نباد
۱۱۶	ناامنی و آشوب در بختیاری
۱۱۸	قرار فی مابین مالیه و خوانین بختیاری
۱۳۸	رضا خان بیات
۱۳۸	ناظم الرعایا
۱۴۴	ناظم التجار
۱۴۷	عزیز الله خان بیات - محمد تقی خان بیات
۱۵۰	شجره بیات دم نی
۱۵۶	برقیان
۱۶۶	یوسف خان بیات - سهراب خان بیات
۱۶۸	اسد الله خان بیات
۱۷۹	سید ریحان الله
۱۸۴	فرزندان ذکور حاج شیخ
۱۹۰	قورچی باشی
۱۹۳	معرفی نگارنده کتاب

۱۹۵	سلطان آباد (اراک).....
۱۹۷	خمین
۱۹۹	وقایع اتفاقیه.....
۲۱۹	حرکت به طرف همدان و بیجار
۲۲۷	مزار باباطاهر - باباگرگر - گروس
۲۲۹	اعزام به خدمت نظام وظیفه
۲۳۳	حسین حرمتی.....
۲۳۵	مهندس ادیسی
۲۳۷	علی اصغر عسگری
۲۳۹	محمود حبی
۲۴۰	ورود به اهواز و حرکت به طرف بهبهان
۲۴۳	بهبهان
۲۴۵	وَن
۲۴۶	سید غضنفر و سید فرهاد
۲۴۸	اعتصاب معلمان سراسر ایران
۲۶۶	سیر و سفر در جنوب ایران.....

مقدمه

به نام نقشبند صفحه خاک عذار افروز مهر و یان افلاک

روانشاد (محمد بیات) پدرم که سالیانی دراز از عمر خود را صرف تحصیل علوم متداول زمان خویش کرده بود، چون نیاکان خود از دانش بهره‌ها داشت و خط خوش می‌نگاشت. با این همه نه در زری روحانی شد و نه در سلک دیوانی. او عابدی دل‌خسته و زاهدی از دنیا گسسته بود که بدان باور در زادگاه خود (برفیان) گوشه قناعت گرفت و به امر زراعت و فلاحیت پرداخت. پدر در هر مجالی و فراغ‌بالی از گذشته ولایت‌مان و از پیشینیان دیارمان داد سخن می‌داد. غرض او از شرح حال و بیان مقال (فاعتبروا یا اولی‌البصار) بود و بس. مرحوم (محمد مهدی بیات) عمویم نیز از آن مقوله داستان‌ها داشت. یاد آن دو عزیز در خاک خفته گرامی باد. ریش سفیدان و کهنسالان دیارمان در هر گردهمایی هر یک به شیوه‌ای از گذشته مرز و بوممان و سرگذشت نیاکان خود و دیگر کسانی که در آن حول و حوش می‌زیسته و سر به تیره تراب برده بودند سخن می‌گفت. بنده که در آن مجالس و محافل به حکم و اقتضای سنی مستمعی پیش نبودم زانوی ادب در برابر آنان به زمین زده گوش می‌گشودم و زبان خود می‌بستم و با علاقه‌ای زاید گلچین آنچه را می‌شنیدم به لوح ضمیر کودکانه‌ام نقش می‌زدم. الحق که (نقش فی الحجر) مصداق بارز فراگیری در کودکی است.

سال‌ها یکی پس از دیگری سپری شد. دست اجل یکایک آن نیک‌مردان ساده‌اندیش را در نقاب خاک پنهان کرد.

یاد تمامی آن عزیزمردان در خاک آرمیده بخیر.

دوران کودکی و نوجوانی چون برق لامع سپری شد جوانی با همه شور و حال در نیمه راه است.

کوله بار خاطرات صباوت و شباب هم چنان بی‌کم و کاست بر دوش جانم سنگینی می‌کند. از آن‌جا که تندباد حوادث تیزی ذهن آدمی را به کندی گرایش می‌دهد و خریف عمر دوران خرفتی در پی دارد بر این اندیشه شدم تا محفوظاتم را که حداقل برای خودم ارزشمند می‌دانم از گزند حوادث مصون و محفوظ بدارم. تا در زمانی که روی در نقاب خاک کشیدم محفوظاتم به سینه خاک سپرده نشوند.

در روی جلد یکی از کتب درسی دوره ابتدایی زمان تحصیلم در لایه لای شاخ و برگ نقش درختی این دو بیت شعر جلب توجه می‌کرد.

اندیشه تو گرچه بُود در خوشاب تابان نشود تا که نیاید به کتاب

گر طبع نشد به دست مردم نفتاد بر روی زمین چهره روشن نگشاد

هر چند داعیه اندیشه آن چنانی را ندارم لیکن خود انگیزه‌ای برای تدوین ذهنیاتم شد. از طرفی مصرع پر محتوای (کلّ علم لیس فی القراطیس ضاع) برآتم داشت تا بدون داعیه علم‌اندوزی به درج محفوظاتم همت گمارم.

از گذشته دیارمان مطالبی بنگارم تا از نیک و بد مردمان آن سامان نقش پایی به جا بماند.

چرا؟ که تاریخ و سرگذشت پیشینیان عبرت و سرمشق آیندگان است.

عدم بضاعت علمی جرأت عرض اندام را از من سلب کرده بود.

سرانجام دل به دریازده و آنچه در چنته ذهن دارم به روی کاغذ می‌آورم تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

از سرورانی که به هر علت نامی از اجداد و کسان آنان در این مجموعه آمده و مطلب مندرج را نمی‌پسندند امید اغماض دارم و در جواب آن‌ها می‌گویم مطالب خودسرانه و دلخواه نویسنده تهیه و تدوین نشده است بلکه از قول پیشینیان بازگو شده و در محال جاپلق و کمره و کزاز (قولیست که جملگی برآند) از صاحب نظران و اربابان قلم امید دارد لغزش و خطای ادبی نگارنده را به بی‌بضاعتی دانش او به (عین عنایت) نگرند.

بدین مطلب مهم بسنده می‌کنم: آن‌جا که در نگارش این اثر جمع‌جای خود را به مفرد داده و مفرد دست‌تعدی بر جایگاه جمع یازیده و یا تقدیم و تأخیری برخلاف قواعد دستوری در بسط کلام خللی بر نظام وارده آورده منظور تا حدی ارائه شیوه بیان و نحوه زبان مردم منطقه است تا نمک را چاشنی باشد از قند! در پایان از جناب آقای مصطفی شیرینی مدیر محترم مؤسسه چاپ سارنگ که در چاپ این مجموعه بذل همت فرموده‌اند نهایت امتنان را دارم.

محمد حسن بیات